

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"امورات ارض را حق جل جلاله به اسباب معلق فرموده."

**عنوان: فقراء امانت منند در میان شما؛ پس امانت مرا درست حفظ نمائید**

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- کلمات مبارکه مکنونه

۴- نصوص مبارک حضرت بهاء الله

۵- نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- بیانات حضرت ولی امرالله

۷- قسمتی از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل

۸- حکایت

۹- شور و مشورت: نگرش و رفتاری که بهائیان در مورد ثروت و دارایی ترویج می کنند با افکار متداول در

عالم چه تفاوتی دارد و این نگرش بر عادت تقدیم تبرعات چه تأثیری می گذارد؟

۱۰- حضرت عبدالبهاء و فقرا

قسمت اجتماعی و پذیرایی

۱۱- برنامه نونهالان

۱۲- تنفس و پذیرایی

۱۳- مناجات خاتمه

## ۱- مناجات شروع

### پاکا پادشاها

هر آگاهی بر یکتائیت گواهی داده. توئی آن توانائی که جودت وجود را موجود فرمود و خطای عباد، عطایت را باز نداشت. ای کریم از مطلع نورت منور نما و از مشرق غنایت، ثروت حقیقی بخش. توئی بخشنده و توانا.

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۱۱

## ۲- مناجات دوم

### هُو الله

ای خداوند مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش. از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما؛ تا به کُلّی شیدای تو گردم و دیوانه تو؛ جز تو نخواهم و جز تو نجویم و بغیر از راه تو نپویم و بجز راز تو نگویم؛ مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یا بهاء الابهی . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۳۹

يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ

أَنْفَقَ مَالِي عَلَى فُقْرَائِي لِتُنْفِقَ فِي السَّمَاءِ مِنْ كُنُوزِ عِزِّي لِأَنْفِقَ وَخَزَائِنِ مَجْدِي لِأَنْفِقَ وَكُنْ وَعَمْرِي أَنْفَقَ الرُّوحَ أَجْمَلُ لَوْ شَاهِدُ بَعِينِي "

يَا ابْنَ الرُّوحِ

لَا تَفْتَخِرْ عَلَى الْمُسْكِينِ بِافْتِحَارِ نَفْسِكَ لِأَنْتِي أَمْشِي قَدَامَهُ وَأَرَاكَ فِي سُوءِ حَالِكَ وَالْعَنْ عَلَيْكَ إِلَى الْأَبَدِ.

ای پسران تراب

اغنيا را از ناله سحرگاهی فقرا اخبار کنید که مبادا از غفلت به هلاکت افتند و از سدره دولت بی نصیب مانند. الْكُرْمُ وَالْجُودُ مِنْ خِصَالِي فَهَنِيئًا لِمَنْ تَزَيْنَ بِخِصَالِي.

ای مغروران به اموال فانیه

بدانید که غنا سَدِّیست محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق. هرگز غنی بر مقرر قرب وارد نشود و به مدینه رضا و تسلیم در نیاید، مگر قلبی. پس نیکو است حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعش ننماید و از دولت ابدی محرومش نگرداند. قسم به اسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بخشد؛ چنانچه شمس، اهل زمین را.

ای اغنیای ارض

فقراء امانت منند در میان شما؛ پس امانت مرا درست حفظ نمائید و به راحت نفس خود تمام نپردازید.

محروم نکردن فقراء

"لَا تَحْرِمُوا الْفُقَرَاءَ عَمَّا آتَاكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. إِنَّهُ يُعْطِيكُمْ ضِعْفَ مَا عِنْدَكُمْ إِنَّهُ لَهُوَ الْمُعْطَى الْكَرِيمُ. ۱"

مواسات

"معنی مواسات که در کتاب الهی نازل شده اینست که هر یک از مؤمنین سایرین را مثل خود مشاهده نمایند یعنی خود را اعلیٰ نشمرند و اغنیاء، فقراء را از مال خود محروم ننمایند و آنچه از برای خود از امورات خیریه اختیار می نمایند، از برای سایر مؤمنین هم همان را اختیار کنند. اینست معنی مواسات. ۲"

توجه به فقرا

"باید اولو الغنی به فقرا ناظر باشند؛ چه که شأن صابرين از فقراء عند الله عظیم بوده و عمری لا یُعادلُهُ شأنُ الا ما شاء الله طوبی لفقییر صبر و ستر و لغنی انفق و اثر. ۳"

مقام انفاق

"آنچه در دنیاست قابل ذکر نبوده و نیست و لکن اگر نفسی فائز شود و در سبیل الهی يك درهم او اقل، انفاق نماید، عند الله از کنوز اولی و اقدم بوده و هست. این است که حق جل جلاله، عاملین و منفقین را در جمیع کتب خود ذکر فرموده. ۴"

قناعت و انفاق

"شخص مجاهد ... باید ... به قلیل قانع باشد و از طلب کثیر فارغ ... و بر بی نصیبان نصیب بخشد و از محرومان عطا و احسان دریغ ندارد. ۵"

۲- گلزار تعالیم بهائی ص ۲۹۰

۱- گلزار تعالیم بهائی ص ۲۳۴ شماره ۸

۴- آیات الرحمن ص ۲۸۵

۳- گنجینه حدود و احکام ص ۳۵۳

۵- آیات الرحمن ص ۲۹۱

ثروتمند مُنْفِق

"عاقبتِ اهلِ ثروت، حسرت اندر حسرت است؛ مگر توانگری که در امور خیریه گنج از آستین بیفشاند و در امور مبروره، ثروت خویش را مبدول دارد. آن نفوس مبارکه چون کواکب لامعه از افق عزت ابدیه، بدرخشند." ۱

حُرمت فقراء از هر طائفه و ملت

"ای بنت ملکوت، فقرا و ایتام و عجزه از هر طوائف و ملل را بسیار مکرم دارید و بی نهایت رعایت کنید. مانند خادم حقیقی خدمت نمائید و آنان را بزرگوار شمردید و خود را خادم لیل و نهار دانید." ۲

تکدی حرام است

اما آیه مبارکه حُرْمَ عَلَیْكُمْ السُّؤَالُ وَمَنْ سَأَلَ حُرْمَ عَلَیْهِ الْعَطَاءُ مقصود این است که تکدی حرام است و برگدایان که تکدی را صفت خویش نموده‌اند، انفاق نیز حرام است. مقصود این است که ریشه گدائی کنده شود و اما اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره نتواند، اغنیاء یا وکلاء باید چیزی، مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کند. ۳

کمک به خیریه

اعانۀ خیریه را بسیار مهم شمردند و به نهایت اهمیت در این امر مبرور بکوشند. این اعانۀ خیریه از لوازم امور است. ۴

و نیز می فرمایند:

"هر نفس که معاونت به شرکت خیریه نماید در جمیع مراتب تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نواقص کامل شود. سبب عزت ابدیه آن نفوس گردد. ۵"

۱- گلزار تعالیم بهائی ص ۲۳۸      ۲- گلزار تعالیم بهائی ص ۲۳۶

۳- گلزار تعالیم بهائی ص ۴۱۷      ۴- پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۳۷

۶- بیانات حضرت ولی امرالله

تقدیم تبرعات به صندوق امرالله

"اگر یاران مساعده ای در این سبیل کاملاً مقررماً مستمراً ننمایند، امرالله تقدم و انتشاری سریع نیابد؛ اسباب میسرنگردد و امور معوق ماند." "

"عموم احبا ولو در آمدشان ناچیز باشد، باید در این امر شرکت جویند." "

"اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریه امرالله است و از امور لازمه اساسیه محسوب. بعد از ادای حقوق، فی الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهائی است؛ زیرا آنچه در این سبیل تقدیم گردد و صرف شود، رأساً ترویج امر الهی است و تعزیز و تقویت آئین ربانی."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۳۷ و ۱۳۸

## ۷-حکایت

زمانی حضرت عبدالبهاء حکایت یکی از اماءالرحمن در ایران را بیان فرمودند که شغلش بافتن جوراب و فروش آن بود. روزی اطلاع یافت که باید به صندوق امرکمک و مساعدت نماید. لذا تصمیم گرفت که از این به بعد یک جوراب مال من است و جوراب دیگر متعلق به جمال مبارک و پس از فروش، نیمی را خود بر میداشت و نیم دیگر را به حق تقدیم میکرد.

برگرفته از سخنان جناب علی نخبجوانی اوت ۱۹۹۹

بیت العدل اعظم می فرماید:

تمدن مورد نظر حضرت بهاء الله، تمدنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزت و احیای نوع بشر و نه برای ذلت و نابودی او صرف خواهد شد. بدین ترتیب، عمل تقدیم تبرعات، گویای مفهومی بسیار عمیق می باشد: تقدیم تبرعات راهی است عملی و از ضروریات تسریع ظهور آن تمدن ربانی. چنانچه حضرت بهاء الله میفرماید "امورات ارض را حق جل جلاله به اسباب معلق فرموده." بهائیان در اجتماعاتی زندگی می کنند که امور مادی آن به شدت آشفته و مختل است. فرایند جامعه سازی که دوستان در محدوددهای جغرافیایی خود به پیش میبرند، نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج میکند که با افکار متداول در عالم، کاملاً متفاوت است. عادت تقدیم تبرعات مرتب به صندوقهای امری که شامل تبرع غیر نقد، به خصوص در بعضی نقاط جهان می باشد، ناشی از حس توجه فردی به رفاه جامعه و پیشرفت امرالله است. وظیفه تقدیم تبرعات درست مانند وظیفه تبلیغ امر الهی یکی از جنبه های اساسی هویت بهائی و موجب تقویت ایمان است. تبرعات سخاوتمندانه و فداکارانه افراد احبا، آگاهی جمعی از نیازهای مالی که جامعه آن را ترویج میدهد و نظارت دقیق و مسئولانه مؤسسات امری بر منابع مالی را می توان به منزله تجلیات عشق و محبتی دانست که این سه عنصر فعال را بیشتر به هم پیوند میدهد. تبرع داوطلبانه نهایتاً این آگاهی را به وجود می آورد که اداره امور مالی شخصی بر طبق اصول روحانی، بُعدی است ضروری از یک زندگی منسجم، موضوعی است وجدانی و طریقی است که در آن تعهد نسبت به رفاه عالم در عمل متجلی می گردد.

سرکشی و ملاطفت نسبت به ضعفا یکی از وظائف حتمیه و مستمرهٔ هیکل مبارک بود. به خانه های هر یک از فقرا وارد شده، دلجوئی و مهربانی کامل می فرمودند. فقرای حیفا و اشخاص بیبضاعت از هر قبیل و از هر کیش و ملت، مسرور و شادمان میشدند. عجبت آن که اسامی اطفال خانوادهٔ فقرا را یک به اسم صدا میزدند. اگر طفلی یا پیرزنی غائب بود، از ذکر اسم او تغافل نمیفرمودند؛ فلان کس کجاست؟ حالش چگونه است؟ اگر مریض داشتند، دلجوئی و مهربانی زیادتر میفرمودند. حتی دستور صحی کامل میدادند و در حق هر یک دعا میکردند. دست متبرک نازنین به صورت و سر هر علیل میکشیدند و صحت و برکت عطا میفرمودند. آخر الامر تمام خانواده را دلشاد و خرم نموده، آن وقت کیسه از جیب مبارک بیرون آورده، پولهای ریز و درشت آن زمان که عبارت از مجیدی، ربع مجیدی، بشلیک و برقوت و متالیک بود، به فراخور استعداد و استحقاق هر یک عطا میفرمودند. این نوازشهای مشفقانه و بخشش های کریمانه آنها را زنده و فرخنده مینمود. از این خانه به خانه دیگر تا وقتی که به اصطلاح ته کیسه بالا بیاید. خلاصه آن که توقف مبارک در حیفا تنها برای ملاقات نبود؛ بلکه کار بسیار مهمتری داشتند. اما دید و بازدید، با لآخره سرکشی ضعفا، طبعاً تقدم حاصل مینمود. آن کار مهمتر که افکار مبارک را همواره به خود جلب نموده بود همانا بنای مقام اعلی بود...

خاطرات نه ساله ص ۱۵۲ و ۱۵۳

هُوَاللَّهُ

رَبِّ رَبِّ نَوْرٍ وَجْوهِ احْبَائِكَ الْمَخْلُصِينَ وَ اَيِّدْهُمْ بِمَلَائِكَةِ نَصْرِكَ الْمَبِينِ وَ ثَبِّتْهُمْ عَلٰى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ افْتَحْ عَلَيْهِمْ ابْوَابَ الْبِرْكَهٖ بِفَضْلِكَ الْقَدِيمِ لِاَنَّهٗمْ يُنْفِقُوْنَ مَا خَوَّلْتَهُمْ فِي سَبِيْلِكَ وَ يَحَافِظُوْنَ عَلٰى دِيْنِكَ وَ يَطْمَئِنُّوْنَ بِذِكْرِكَ وَ يَبْدُوْنَ اَرْوَاحَهُمْ فِي مَحَبَّتِكَ وَ لَا يَخْلُوْنَ بِاَمْوَالِهِمْ حَبًّا بِجَمَالِكَ وَ طَلِبًا لِرِضَائِكَ رَبِّ قَدْرَ لَهْمُ جَزَاءً مَوْفُورًا وَ نَصِيْبًا مَفْرُوضًا وَ اَجْرًا مَحْتَمًا اَنَّكَ اَنْتَ الْمَوْقُوقُ الْمَوْيَّدُ الْبَاذِلُ الْمَعْطٰى الْكَرِيْمُ . ع ع